



Thematics of popular economy (people-based) with the focus group method

Vahid Arshadhi*¹ | Ali Nemati²

Research Paper

Received:
01 March 2024
Accepted:
24 April 2024



Abstract

One of the dimensions of resistance economy is people-based economy. After a detailed study on the works published until 2019 on the topic of people-based economy, the researchers came to the conclusion that coherent and reliable theoretical literature has not been produced in related scientific centers and there is no consensus even in the definition of people-based economy. Based on this, this research sought to address the topic of popular economy in the form of a focus group method with the presence of experts in resistance economics and Islamic economics, and with this action, provide the necessary platform for those who want to define their studies in this field. These issues are classified in four axes and it was decided to be divided into four axes: theoretical and fundamental studies, governance studies, policy making and implementation, popularization patterns and mechanisms, and interdisciplinary studies. What is important is that the economic policy makers in the three forces should, based on the theoretical foundations and the establishment of various political, legal, economic, social and educational requirements and benefit from different experiences and based on the design of the proposed models and mechanisms, create a platform for the transition from the state and rentier economy to Provide people's economy to the point where Iran's economy is known as people-based economy.

Keywords: popular economy; Economic Strength; rentier economy; Focus group.

1. Corresponding Author: Corresponding author: Research Assistant Professor, Department of Islamic Economics, Research Institute of Islamic Studies in Humanities, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran. Email: V.arshadi@um.ac.ir
2. University lecturer and member of the Economic Thinker Board, Khorasan Seminary, Khorasan, Iran.



۱

دوره اول
بهار ۱۴۰۳
صص: ۴۸-۱۱

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:
۱۴۰۲/۱۲/۱۱
تاریخ پذیرش:
۱۴۰۳/۰۲/۰۵



DOR: 20.1001.1.26454262.1401.5.2.1.7

موضوع‌شناسی اقتصاد مردمی (مردم‌بنیان) با روش گروه کانونی

وحید ارشدی*^۱ | علی نعمتی^۲

چکیده

یکی از ابعاد اقتصاد مقاومتی، اقتصاد مردم‌بنیان است. پس از یک مطالعه دقیق روی آثار منتشرشده تا سال ۱۳۹۹ با موضوع اقتصاد مردم‌بنیان، پژوهش‌گران به این نتیجه دست یافتند که ادبیات نظری منسجم و قابل اتکایی در مراکز علمی مرتبط تولید نشده و حتی در تعریف اقتصاد مردم‌بنیان نیز اتفاق نظر وجود ندارد. بر این اساس این پژوهش به دنبال آن بود که به صورت روش گروه کانونی با حضور متخصصین اقتصاد مقاومتی و اقتصاد اسلامی به موضوع‌شناسی اقتصاد مردمی پرداخته و با این اقدام، بستر لازم را برای کسانی که می‌خواهند مطالعات خود را در این حوزه تعریف کنند، فراهم نماید. این موضوعات در چهار محور طبقه‌بندی شده و مقرر شد در چهار محور مطالعات نظری و بنیادین، مطالعات حکمرانی، سیاست‌گذاری و اجرا، الگوها و سازوکارهای مردمی‌سازی و مطالعات میان‌رشته‌ای تقسیم شود. آنچه اهمیت دارد این است که سیاست‌گذاران اقتصادی در قوای سه‌گانه باید براساس بنیان‌های نظری و برقراری الزامات مختلف سیاسی، حقوقی، اقتصادی، اجتماعی و تربیتی و بهره‌گیری از تجارب مختلف و براساس طراحی الگوها و سازوکارهای پیشنهادی، بستر انتقال از اقتصاد دولتی و رانتی را به اقتصاد مردمی فراهم کنند تا جایی که اقتصاد ایران به اقتصاد مردم‌بنیان شهرت یابد.

کلیدواژه‌ها: اقتصاد مردمی؛ اقتصاد مقاومتی؛ اقتصاد رانتی؛ گروه کانونی.

۱. نویسنده مسئول: استادیار پژوهشی گروه اقتصاد اسلامی، پژوهشکده مطالعات اسلامی در علوم انسانی، دانشگاه فردوسی

مشهد، مشهد، ایران. V.arshadi@um.ac.ir

۲. مدرس دانشگاه و عضو هیأت اندیشه‌ورز اقتصاد، حوزه علمیه خراسان، خراسان، ایران.

مقدمه و بیان مسئله

براساس تحلیل محتوای دیدگاه‌های رهبر معظم انقلاب اسلامی پیرامون اقتصاد مقاومتی، اقتصاد مردمی بیانگر این است که سیاست‌گذاران و مجریان برای هدایت اقتصاد به هدف نهایی «مقاوم‌بودن در برابر هر نوع تکانه‌ای» تا سر حد «بازدارندگی اقتصادی» و دستیابی به پیشرفت اقتصادی همراه با عدالت، باید به نقش مردم در عرصه‌های مختلف اقتصادی، «ضریب ویژه‌ای» دهند به حدی که به اقتصاد مردم‌بنیان شهرت یابد^۱. تخصیص ضریب بالا به نقش مردم در اقتصاد می‌تواند به عنوان یک ایده مطرح باشد که قرار است با طرح آن، بخش قابل توجهی از مشکلات اقتصادی جامعه که به واسطه نقش پررنگ و در عین حال ناکارا و مخرب دولت ایجاد شده، حل گردیده یا حداقل تخفیف یابد (پیروز، ۲۱۰). این به معنای کناررفتن دولت و زیربارنرفتن مسئولیت آن نیست.

در مرحله اول، سیاست‌گذار و همه عوامل اقتصادی برای تحقق اقتصاد مردمی نیازمند شناخت دقیق این نوع از اقتصاد هستند. در مرحله شناخت، فهم (نسبت به موضوع و تعیین حد و مرزها)، به کارگیری تحلیل، نقد و ارزیابی (تقسیم‌بندی مفاهیم به اجزا و تحلیل روابط) و خلق مفاهیم جدید ایجاد می‌شود و در ادامه، گرایش ایجادشده و کنش و واکنش‌ها نسبت به رفتارهای سیاست‌گذار ایجاد می‌شود و باید عواملان اقتصادی را از مسیر پاسخ به چرایی طرح این ایده، توجیه نموده و سیاست‌گذاران و فعالان اقتصادی را از مسیر پاسخ به چگونگی آن در مسیر دستیابی به نقطه مطلوب اقتصاد مردم‌بنیان قرار داد.

شکافت مفهوم و ابعاد آن، اهمیت ویژه‌ای برای سیاست‌گذاران نظام اقتصادی دارد به طوری که عدم توجه به فهم دقیق موضوع، منجر به تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری‌های غلط گردیده و به نام دستیابی به نقطه مطلوب، وضع نامطلوب حاصل می‌گردد.

۱. باید بازدارندگی ایجاد کنیم و به مرحله‌ای برسیم که دشمن احساس کند نمی‌تواند از معبر مسائل اقتصادی به کشور ضربه وارد کند و ملت را تحت فشار قرار دهد (۱۳۹۸/۱/۱).

با توجه به سابقه تاریخی موضوع در اندیشه متفکران اقتصادی، مکاتب و نظام‌های مرتبط با این موضوع، مبنی بر حدود و ثغور مداخله دولت و بخش خصوصی در اقتصاد، پرسش‌هایی در اذهان شکل گرفته است که چرا برای دست‌یابی به نقطه مطلوب، باید نظام اسلامی برای حضور فعالانه مردم در اقتصاد اهمیت ویژه‌ای قائل شود به حدی که صفت مردمی‌شدن اقتصاد بر آن برآش کند. قاعدتاً اقتصاد مردم‌محور نیز مانند هر نوع اقتصاد دیگر، باید بر بنیان‌های نظری محکمی استوار بوده و نیاز است برای شفاف‌سازی آن برای نظام تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری، مفهوم‌سازی دقیقی صورت گرفته تا حد و مرزهای خود را از اقتصادهای رقیب روشن ساخته و راه را برای تفسیرهای مختلف از آن ببندد تا مجریان نتوانند براساس ذهنیت‌ها و سلايق خود، ماشین اقتصاد را از مسیر اقتصاد مردم‌بنیان منحرف سازند. مردم مفهومی است همه‌فهم و در عین حال مفهومی است که هر کسی از منظر خود آن‌را توصیف می‌کند؛ به‌ویژه اینکه وقتی متعلق آن، موضوع کلانی هم‌چون اقتصاد قرار گرفته و نقطه مطلوب این می‌شود که مردم محور آن قرار گیرند؛ آن‌گاه هر کسی از منظر خود مردم را تعریف می‌کند. باید گفت که مردم از طبقات اقتصادی و اجتماعی مختلفی هستند و انتظار از مردم برای نقش‌آفرینی در اقتصاد به یک اندازه نبوده و نمی‌توان برای نقش‌آفرینی نسخه‌ای واحد پیچید.

عده‌ای مردمی‌شدن اقتصاد را بر پایه محوریت یافتن بخش خصوصی در اقتصاد تعریف کرده (پیروز، ۱۳۸۹) و عده‌ای اقتصاد مردمی را به‌عنوان اقتصاد مشارکتی تعریف نموده و گروه دیگری اقتصاد مردمی را بر پایه بخش تعاونی می‌پندارند (یوسفی و غفاری، ۱۳۹۵). برخی نیز معتقدند که همه مردم، استعدادها، توانمندی‌ها و سرمایه‌های مختلف دارند که باید آن‌ها را در جهت ایجاد ارزش افزوده و تحقق پیشرفت و عدالت در قالب بخش خصوصی، بخش تعاونی و بخش خیریه و وقف و حتی بخش عمومی و دولتی به فعلیت برسانند (رنجبران و همکاران، ۱۴۰۰). هر درک مفهومی از مردم منجر به یک نوع سیاست‌گذاری خواهد شد که پیامدهای خاصی داشته و نمی‌توان این پیامدها را در رشد و پیشرفت اقتصادی آن جامعه نادیده گرفت. از این منظر، زمانی که فهم دقیقی از مفهوم در بازیگران راهبردها و راهکارساز ایجاد می‌شود باید انتظار داشت که راهبردها و راهکارها اقتصاد را به سرمنزل مقصود خواهند رساند و گرنه با فهم متفاوت از مردم نمی‌توان همه ظرفیت‌های بالقوه آن‌را به فعلیت رساند چرا که هر کسی به دنبال این است که بخشی

از ظرفیت مردم را احیا کند و چه بسا نگاه کاریکاتوری به مردم، بخشی از ظرفیت‌ها و قالب‌های آن نادیده می‌شود و جامعه را از آن ظرفیت‌ها و توانمندی‌ها و سرمایه‌ها محروم می‌سازد (ارشدی و همکاران، ۱۴۰۰).

از این منظر است که ابعاد، زوایا، لایه‌ها و مراتب مختلف اقتصاد مردم‌بنیان باید به‌طور روشمند باز شده و بر روی موضوعات مرتبط با آن متمرکز شد و به‌صورت روش‌مند به تولید ادبیات نظری قابل اتکا همت گماشت. چستی، چرایی، چگونگی، کمیت، کیفیت، زمان، مکان، اجزای درونی، روابط بیرونی، نحوه اثرگذاری، نحوه اثرپذیری و موقعیت نسبت به اقتصاد رقیب، همه، موضوعاتی است که باید به‌صورت تفصیلی باز شوند. اینکه برای ورود به اقتصاد مردم‌بنیان، چه عناصری لازم است و چه عواملی در کنار هم این اقتصاد را می‌سازد و چه سازوکارهایی برای شهرت اقتصاد به یک اقتصاد مردم‌بنیان لازم است و چه عوامل مداخله‌گری مانع از شکل گرفتن یک اقتصاد با محوریت مردم می‌شود، از مباحث مهم مرتبط با اقتصاد مردم‌بنیان است. این نیازمند یک نگاه سیستمی و جامع‌نگر بوده که بتواند براساس فهم دقیق اقتصاد مردم‌بنیان، بسترهای لازم را فراهم نموده و با ترکیب مناسب عوامل، به خروجی اقتصاد مردم‌بنیان که منجر به پیشرفت اقتصادی می‌شود دسترسی پیدا نمود.

یافته‌های پژوهش

روش‌ها و ابزارهای موضوع‌شناسی «اقتصاد مردم‌بنیان»

برای اینکه لایه‌های مختلف مردمی‌سازی اقتصاد باز شود، نیازمند آن هستیم تا موضوع‌شناسی دقیقی به‌صورت روش‌مند صورت گیرد تا با تبدیل موضوعات به سؤالات و فرضیه‌ها، بتوان از روش‌های معتبر مختلف به پاسخ‌های دقیق از طرف صاحب‌نظران دست یافت. برای دستیابی به موضوعات مرتبط با اقتصاد مردم‌بنیان، روش‌های مختلفی می‌توان اتخاذ نمود.

روش اول: رویکرد قیاسی در طبقه‌بندی ادبیات اقتصاد مردم‌بنیان (موضوعات «ممکن»)

در رویکرد قیاسی با استفاده از یک نظریه پایه‌ای، موضوعات اقتصاد مردم‌بنیان به صورت جامع استخراج می‌شود. نظریه پایه‌ای مورد استفاده در این پژوهش، استفاده از سه سؤال ریشه‌ای «چیستی»، «چرایی» و «چگونگی» است. سؤال از چیستی اقتصاد مردم‌بنیان، سؤال از اقتصاد مردم‌بنیان به ماهو اقتصاد مردم‌بنیان در مقام توضیح مفهومی است. مثلاً بررسی مفهوم اقتصاد مردم‌بنیان در قالب تعاریف، نظریه‌ها و گونه‌شناسی‌های اقتصاد مردم‌بنیان، اقسام، ابعاد مفهومی، معیارها و اقتصاد مردم‌بنیان‌های موصوف. سؤال از چرایی اقتصاد مردم‌بنیان، سؤال از غایت و مطلوب ما در اقتصاد مردم‌بنیان است؛ اینکه چرا باید به سمت آن مطلوب رفت و چرا باید به آن ملتزم بود. سؤال از چگونگی اقتصاد مردم‌بنیان نیز به این پرسش ناظر است که اقتصاد مردم‌بنیان چگونه اقامه شده و چگونه باید اقامه شود؟ با تلفیق این سؤالات، می‌توان به نظام طبقه‌بندی قیاسی در موضوعات اقتصاد مردم‌بنیان دست یافت. طبقه‌بندی قیاسی با کمک طبقه‌بندی استقرایی قابل تکمیل است. رویکرد قیاسی، دسته‌بندی اولیه طبقات نظام موضوعی را می‌سازد و در ادامه، رویکرد استقرایی طبقه‌بندی اولیه را تکمیل می‌کند.

روش دوم: تحلیل محتوا یا تحلیل مضمون اسناد منتشر شده پیرامون اقتصاد مردم‌بنیان:

تحلیل محتوای مکتوبات یا گفتارهای مرتبط با آن، موضوع همراه با کدگذاری اولیه و کدگذاری ثانویه و دسترسی به سلسله موضوعات و در نهایت اعتبارسنجی طبقه‌بندی موضوعات توسط متخصصین است.

روش سوم: رویکرد استقرایی طبقه‌بندی ادبیات اقتصاد مردم‌بنیان (موضوعات «موجود»)

استفاده از رویکرد استقرایی به معنای جمع‌آوری منابع موجود حوزه اقتصاد مردم‌بنیان و طبقه‌بندی موضوعات آن‌ها است. این کار تکمیل‌کننده رویکرد قیاسی در طبقه‌بندی نظام موضوعات اقتصاد مردم‌بنیان است و بر این اساس، ممکن است طبقات یا خانه‌های جدیدی ایجاد شود. بنابراین نوعی رفت و برگشت بین رویکرد قیاسی و استقرایی وجود دارد. در رویکرد استقرایی ابتدا کلید واژه‌های مرتبط با موضوع اقتصاد مردم‌بنیان احصا شده و در مرحله بعد،

بانک‌های اطلاعاتی فارسی و انگلیسی زبان انتخاب می‌شوند. براساس کلیدواژه‌های انتخاب‌شده، منابع تحقیقی و پژوهشی در بانک‌های اطلاعاتی جست‌وجو می‌شوند و جایگاه خود را در طبقات به‌دست‌آمده پیدا می‌کنند. با این رویکرد، طبقات به‌دست‌آمده از رویکرد قیاسی مورد جرح و اصلاح قرار می‌گیرد.

روش چهارم: گروه کانونی

یکی از ابزارهای مناسب برای شکل‌گیری موضوعات و طبقه‌بندی آن‌ها این است که افراد متخصص اقدام به تشکیل گروه کانونی^۱ نموده و برای طرح سؤالات مرتبط با آن ایده، اقدام به طوفان فکری یا اندیشه‌باران^۲ نمایند. روش گروه کانونی یا گفت‌وگوی گروهی متمرکز، یکی از روش‌های متداول در روش تحقیق کیفی است که به‌منظور جمع‌آوری اطلاعات، بررسی مسأله و محصولات یا خدمات انجام می‌شود. گروه کانونی یکی از روش‌های اکتشافی کیفی است که از علوم اجتماعی وارد حوزه‌های دیگر دانش شده است. در این روش، گروه محدودی از افراد مطلع تشکیل شده و از آن‌ها خواسته می‌شود تا نظر و تحلیل‌شان را در مورد موضوع موردنظر به‌صورت آزادانه به بحث و تبادل نظر بگذارند. اسناد و مدارک منتشرشده از طرف افراد صاحب‌نظر، بیانگر تخصص آن‌ها در حوزه مذکور و موضوعات مرتبط با آن است. تلاش آن گروه باید این باشد که برای تحقق ایده به مسائل مرتبط با ورودی‌های ایده، تعیین نقاط شروع، تعیین مراحل و فرآیندها، تعیین میزان اثرگذاری و اثرپذیری، تعیین عوامل و موانع، تعیین سطوح و گستره آن ایده، تعیین مکان و زمان تحقق آن، تعیین نقاط بحران در مسیر تحقق آن ایده و تعیین شاخص‌های کیفی و کمی مرتبط با آن ایده و ... پرداخته و برای آن مسائلی طرح کنند. پژوهش حاضر با اتکا به این روش صورت پذیرفته است و ویژگی‌های مشارکت‌کنندگان در گروه کانونی مربوطه به شرح ذیل است:

جدول ۱. مشارکت‌کنندگان در گروه کانونی

ردیف	عضو	رتبه	تخصص	فعالیت‌های پژوهشی مرتبط
۱	عضو هیأت علمی	استاد تمام	اقتصاد	کتاب و مقالات مختلف پیرامون

1. Focus Group
2. Brainstorming

الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت			دانشگاه فردوسی مشهد	
مقالات مختلف پیرامون توسعه	اقتصاد	دانشیار	عضو هیأت علمی دانشگاه فردوسی مشهد	۲
مقالات پیرامون اقتصاد اسلامی و اقتصاد توسعه	اقتصاد	دانشیار	عضو هیأت علمی دانشگاه فردوسی مشهد	۳
کتاب و مقالات متعدد پیرامون اقتصاد مقاومتی و مردمی سازی اقتصاد	اقتصاد	دانشیار	عضو هیأت علمی دانشگاه امام صادق (ع)	۴
مقالات متعدد پیرامون اقتصاد مقاومتی و مردمی سازی اقتصاد	اقتصاد	استادیار	عضو هیأت علمی دانشگاه فردوسی مشهد	۵
مقالات متعدد پیرامون اقتصاد مقاومتی و مردمی سازی اقتصاد	اقتصاد	استادیار	عضو هیأت علمی دانشگاه قم	۶
مقالات متعدد پیرامون اقتصاد مقاومتی و مردمی سازی اقتصاد	اقتصاد	استادیار	عضو هیأت علمی دانشگاه قم	۷
کتاب و مقالات پیرامون اقتصاد اسلامی	اقتصاد	استادیار	عضو هیأت علمی جامعه المصطفی (ع)	۸
کتاب و مقالات پیرامون اقتصاد اسلامی	اقتصاد	استادیار	مدرس حوزه و دانشگاه	۹
کتاب و مقالات پیرامون اقتصاد اسلامی	اقتصاد	استادیار	مدرس حوزه و دانشگاه	۱۰

برای استخراج موضوعات، ۵ جلسه با حضور متخصصین اقتصاد توسعه و الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، اقتصاد مقاومتی و نیز اقتصاد اسلامی برگزار گردید. پس از تبیین موضوع توسط مسئول گروه کانونی، ابتدا اعضا تلاش نمودند نظرات خود را پیرامون اهمیت موضوع ارائه کنند و ابعاد آن را از منظر خود باز نمایند. سپس بر اساس نظرات گروه، اعضا موظف شدند عناوین پیشنهادی

اولیه خود را براساس مذاکرات صورت گرفته، تحریر نمایند. در جلسه دوم، پس از طرح عناوین به دسته‌بندی عوامل پرداخته شد و تلاش گردید یک پیش‌نویس از موضوعات در طبقات مختلف ذکر شده، در جلسات آماده شود. در جلسه سوم، به نقد و بررسی جایگاه هر کدام از عناوین در طبقات مذکور پرداخته شد و در نهایت پس از جابه‌جایی‌های صورت گرفته، فهرست نهایی تهیه شده و برای اعتبارسنجی طبقه‌بندی موضوعات مردمی‌سازی و زیر‌عناوین، این طبقه‌بندی در معرض بررسی سه نفر از متخصصین خارج از گروه قرار گرفت و پس از تأیید کلی و اعمال نقطه‌نظرات آن‌ها، محورها و عناوین موضوعات قابل بررسی زیر برای تولید ادبیات اقتصاد مردمی احصا شد:

یافته‌های حاصل از گروه کانونی

طی تضارب آرای انجام شده در گروه کانونی، نظام موضوعات و مسائل بایسته برای اقتصاد مردم‌بنیان، در چهار عنوان کلی دسته‌بندی شد که عبارتند از: (۱) مطالعات نظری و بنیادین؛ (۲) مطالعات مرتبط با حکمرانی و اجرا؛ (۳) مطالعات بخشی اقتصاد مردم‌بنیان و (۴) مطالعات میان‌رشته‌ای.

محور اول: مطالعات نظری و بنیادین

این تحقیق از نوع تحقیقات نظری است که در آن محقق، بدون داشتن یک هدف کاربردی خاص، صرفاً برای توسعه دانش به مطالعه می‌پردازد. اساس تحقیق محض برای یکی از اهداف علوم انجام می‌شود که نوعی علم برای علم است. این نوع از تحقیقات به دلیل آنکه راه‌گشای سایر مطالعات و بررسی‌هاست، مورد توجه است؛ بنابراین تحقیقات بنیادی از نوع مطالعات نظری هستند. موضوعات مرتبط با مطالعات نظری و بنیادین در حوزه اقتصاد مردمی به شرح ذیل است:

مبادی فلسفی مردمی‌سازی اقتصاد (مفهوم‌شناسی، تفاوت‌ها با مفاهیم مشابه یا بدیل، جایگاه بانی و نسبت‌سنجی اقتصاد مردمی در میان بخش خصوصی، عمومی، تعاونی و غیرانتفاعی (بخش سوم اقتصاد یا بخش خیرخواهانه))

بررسی‌های اولیه نشان می‌دهد که به علت فقدان ادبیات نظری منسجم در باب اقتصاد مردم‌بنیان، برداشت دقیقی از اقتصاد مردم‌بنیان وجود نداشته و هر یک از کسانی که به این موضوع می‌پردازند، مردمی‌شدن اقتصاد را به یکی از بخش‌های خصوصی، تعاونی و بخش خیرخواهانه اقتصاد یا حتی

به ملی‌سازی اقتصاد تفسیر کرده یا فرومی‌کاهند؛ لذا یکی از گام‌های پژوهشی اولیه در این خصوص، واکاوی مفهوم اقتصاد مردمی از حیث ربط و نسبت آن با بخش خصوصی، بخش عمومی، بخش تعاون و بخش سوم اقتصاد (خبریه‌ها و موقوفات) و نیز ملی‌سازی^۱ می‌باشد.

رویکرد مکاتب مختلف اقتصادی به نقش مردم در اقتصاد به صورت تحلیلی و انتقادی (با نظر به تأثیر ایجابی آن بر مقاوم‌شدن اقتصاد)^۲ جایگاه نقش مردم و دولت در اقتصاد، از مباحث بسیار مهم در اندیشه متفکرین اقتصادی و مکاتب اقتصادی بوده است و براساس این اندیشه‌ها، سیاست‌گذاران اقتصادی تلاش می‌کنند حد و مرز بستر مشارکت اقتصادی مردم را فراهم کنند. این موضوع یکی از مرزهای بین مکاتب اقتصادی را معرفی می‌کند؛ اینکه صاحبان اندیشه و مکاتب مختلف چه جایگاهی را برای مردم قائل هستند و چه حد و مرزی را برای مداخله مردم در اقتصاد می‌شناسند، از مباحث مهمی است که باید مورد تحلیل و نقد و بررسی قرار گیرد.

مبایدهای اسلامی مردمی‌سازی اقتصاد از منظر قرآن و سنت:

اگرچه اتکای صرف به قرآن و سنت، برای فهم اقتصاد مردم‌بنیان (و حتی اقتصاد اسلامی) نمی‌تواند روش مثمر‌تری باشد، با این حال مؤلفه‌های مفهومی و مبانی نظری متعددی را می‌توان به سود اقتصاد مردمی در آیات و روایات و نیز در نهادهای اخلاقی و فقهی اسلام جست‌وجو کرد.

۱. به مفهوم توسعه مالکیت‌های عمومی، در مقابل مالکیت دولتی.

۱. ما بایست به مردم تکیه کنیم، بها بدهیم؛ مردم با امکانات‌شان باید بیابند در وسط میدان اقتصادی؛ فعالان، کارآفرینان، مبتکران، صاحبان مهارت، صاحبان سرمایه، نیروهای متراکم و بی‌پایانی که در این کشور وجود دارد، که واقعاً این نیروها هم بی‌شمارند. بنده سال‌های متمادی است که سروکار دارم با قشرهای مختلف مردم؛ درعین حال گاهی یک چیزهایی برای ما آشکار می‌شود که من می‌بینم از این‌ها هم غافل بودیم. این قدر عناصر آماده‌به‌کار یا دارای مهارت، یا دارای ابتکار، یا دارای دانش، یا دارای سرمایه در کشور هستند که این‌ها تشنه کارند؛ دولت بایستی برای حضور اینها زمینه‌سازی کند، اینها را راهنمایی کند که کجاها می‌توانند خودشان را به کار بیندند، از آن‌ها حمایت بکند؛ مسئولیت عمده دولت این است. حالا فعالیت اقتصادی دولت در یک بخش‌های ناگزیری، قهراً وجود خواهد داشت؛ لکن باید فعالیت اقتصادی به مردم داده بشود؛ که در این سیاست‌ها مورد ملاحظه قرار گرفت (سخنرانی مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰).

نفی ولایت هر موجودیتی به غیر از خدا و رسول او بر مردم، نقش پررنگ فعالیت‌های داوطلبانه اجتماعی در جامعه صدر اسلام، برخی احکام فقهی که در تعامل عنصر کار و سرمایه، نقش پررنگ‌تری را به نیروی کار می‌دهد و ... نمونه‌هایی از مؤلفه‌ها و مبانی‌اند.

مبای‌ اسلامی مردمی‌ سازی اقتصاد از منظر رهبران انقلاب:

انقلاب اسلامی ایران که بنیان‌های نظری و فکری آن برآمده از اندیشه‌های اسلامی رهبران آن است، تلاش نموده تا نظام سیاسی آن‌را بر پایه مشارکت و حضور مردم در صحنه استوار نماید. تأکید بر جمهوریت نظام، تحریض و تأکید بر انتخابات و صیانت از آن، و معرفی مفهوم مردم‌سالاری دینی به‌عنوان بدیلی اسلامی برای نقش‌آفرینی مردم در جامعه و سرنوشت خود از سوی رهبران نظام اسلامی و مواردی از این دست، حاکی از رویکرد و نگرشی‌اند که نمی‌توان آن‌را محصور به ساحت سیاست دانست؛ لذا تبیین نظرات رهبران انقلاب اسلامی در این خصوص می‌تواند ادبیات قابل‌اتکایی برای اقتصاد مردم‌بنیاد تولید نموده و پشتوانه نظری برای سیاست‌گذاران اقتصادی ایجاد کند.

تبیین نسبت مردمی‌ سازی اقتصاد با اقتصاد مقاومتی و نقش آن در مدیریت تکانه‌های اقتصادی:

از آنجاکه اقتصاد مردم‌بنیان و اقتصاد مقاومتی، دو مفهوم نوظهور در ادبیات اقتصاد سیاسی کشور ما بوده و بسترهای شکل‌گیری و اهداف سیاستی نسبتاً مشترکی دارند، کاملاً به‌جاست که نسبت میان این دو مفهوم که به نوعی هر دو، راه‌کارهایی برای نجات از یک اقتصاد دولتی رانتی باشند، معلوم شود. از سوی دیگر یکی از اهدافی که از انتقال اقتصاد دولتی و رانتی به اقتصاد مردم‌بنیاد دنبال می‌شود، مشارکت مردم در مدیریت تکانه‌های اقتصادی است. اینکه مردم از چه کانال‌ها و به‌واسطه چه عواملی می‌توانند نقش خود را در مدیریت تکانه‌های اقتصادی ایفا کنند، نیاز به تبیین نظری دارد.

جایگاه مردم در ادبیات توسعه انسانی و توسعه پایدار و رهاورد آن برای اقتصاد مردم‌بنیان:

سیر نظریات توسعه اقتصادی از نگرش صرفاً کمی و مادی که در نظریات رشد اقتصادی انعکاس یافته است، به‌سوی نظریات کیفی‌تر توسعه انسانی و توسعه پایدار و ... حاکی از اهمیت

نقش انسان و به تبع مردم در الگوهای مورد توصیه اقتصاددانان توسعه است. به عبارت دیگر، توجه به نقش مؤثر مردم در فرآیند توسعه و پیشرفت جوامع و مصونیت آن‌ها در مقابل بحران‌ها و تکانه‌های اقتصادی، در ادبیات اقتصادی دهه‌های اخیر مسبوق به سابقه بوده و رصد این تجربیات برای مفهوم‌سازی اقتصاد مردم‌بنیان در بستر اندیشه اسلامی ضروری می‌باشد.

تبیین نظری آثار مردمی‌سازی اقتصاد بر اصلاح ساختار اقتصادی کشور:

اقتصاد ایران از دو منظر عامل و ساختار، نیازمند اصلاحات اساسی است. هر اقتصادی حول هر عاملی ساختارهای موجود را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. آنچه این موضوع مورد بررسی قرار خواهد داد این است که اگر مردم مشارکت فعالانه در عرصه‌های مختلف اقتصادی داشته باشند، چگونه ساختارهای اقتصاد دولتی و رانتی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

نقش و جایگاه مردم در رویکردهای مختلف مقاومت‌سازی اقتصاد در تاب‌آوری، ضدشکنندگی، بازدارندگی اقتصادی و اقتصاد اجتماعی و هم‌بسته (Solidarity economy)

ایفای نقش مردم در اقتصاد، به نحوی که با اندک فشار و تنش حتی ملایم و متوسط به راحتی دچار شکست نشده و در مقابل، از عوامل تنش زا قوت کسب کند و از شکست‌ها قدرت به دست آورد نیازمند تبیین نظری است؛ و یا اینکه چگونه با اتکا به ظرفیت مردم، یک سیستم اقتصادی می‌تواند در مقابله با تکانه‌های کوتاه مدت داخلی و خارجی و همچنین تغییرات بلند مدت در وضعیت اجتماعی، اقتصادی و شرایط جوی، روند رشد خود را ادامه دهد از موضوعات مهم قابل بررسی است. از طرف دیگر نقش مردم در ریشه‌دار کردن فعالیت‌های اقتصادی با ایجاد پایه‌های محکم، مشارکت و تعاون و اقدام متقابل چیست؟

بررسی آثار مردمی‌سازی اقتصاد بر گسترش انواع مختلف عدالت اقتصادی، اجتماعی، آموزشی و ...:

بسترسازی برای به میدان آوردن توانمندی‌های مردم در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و آموزشی می‌تواند حقوقی را برای آن‌ها داشته باشد، چگونگی تناسب حقوق با تکالیف در حوزه‌های مختلف مذکور و توزیع عادلانه منابع براساس میزان مشارکت افراد در اقتصاد می‌تواند مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

بررسی مکانیزم‌های انگیزشی برای مردمی‌سازی اقتصاد:

اگر اقتصاد مردم‌بنیان به معنای اقتصاد با محوریت بخش خصوصی باشد، مناقشه چندانی در باب نظام انگیزشی این اقتصاد وجود ندارد؛ اما چنانچه اقتصاد مردم‌بنیان، متفاوت از یک اقتصاد بازاری با نظام انگیزشی مبتنی بر نفع شخصی و معیار هزینه - فایده باشد، بی‌تردید نظام انگیزشی آن نیازمند شرح و تبیین خواهد بود. افزون بر این در دوران گذار از یک اقتصاد دولتی و رانتی که بخش قابل توجهی از مردم را در ساختار خود جای داده است و مردم نیز به نظم موجود خو گرفته‌اند، به یک اقتصاد مردمی، چگونه می‌توان سازوکارهای انگیزشی لازم را به وجود آورد و نقش دولت در این میان چیست؟

چگونگی مردمی شدن اقتصاد در اقتصادهای رانتی در جهت مقاوم کردن اقتصاد در برابر تکانه‌های مختلف:

اقتصاد رانتی اقتصادی است که بخش اعظم درآمد خود را از راه صادرات یک یا چند ماده خام به دست آورد. از آنجا که این مواد خام و صادرات آن‌ها نوعاً در اختیار دولت‌هاست، در این اقتصادها حجم دولت به‌طور فزاینده‌ای گسترش یافته و افزون بر تعمیق ناکارایی و عدم احساس نیاز به پاسخ‌گویی در مقابل شهروندان، آسیب‌پذیری فوق‌العاده‌ای در برابر تهدیدها و تکانه‌های سیاسی و اقتصادی دارند. هم‌چنین یکی از چالش‌های این دولت‌ها، بیماری هلندی و تورم ناشی از وارد کردن ارز حاصل از این صادرات در اقتصاد داخلی است. به نظر می‌رسد وارد کردن مردم در این فرایندها ظرفیت بالایی برای برون‌رفت از چالش‌های مربوطه دارد.

مکانیسم‌های کاهش تضاد منافع در جهت مردمی شدن اقتصاد با رویکرد مدیریت تکانه‌ها:

تعارض منافع یا تراحم منافع (Conflict of interest) به شرایطی گفته می‌شود که افراد یا نهادها (دولت، رسانه، کسب و کار و مانند آن) با انتخاب «وظایف خود» یا «منافع شخصی یا گروهی مجزا» مواجه می‌گردند. تعارض منافع یکی از واژگانی است که در عمده علوم انسانی مثل حقوق و علوم سیاسی مورد بررسی قرار گرفته است. تعارض منافع/تعارض علائق/تضاد منافع/مناقشه منافع از دیگر واژه‌های هم‌سان برای این کلمه است. در کل به معنای در عرض هم قرار گرفتن منافع مختلف است به نحوی که نتوان یکی را بر دیگری ترجیح داد. چگونگی مدیریت تعارض و تضاد

منافع اجازه نمی‌دهد مردم توانمندی‌های خود را به صحنه اقتصاد آورده و در زمان حساس که نیازمند مشارکت مردم در مدیریت تکانه‌های اقتصادی هستیم از مواهب آن استفاده شود.

مردمی‌سازی تجارت بین‌الملل، کلیات و شواهد:

ورود مؤثر در عرصه تجارت جهانی مستلزم بهره‌گیری از ظرفیت‌های درونی و بیرونی در جهت منافع ملی و هم‌افزایی بازیگران مختلف اقتصادی کشور است. جایگاه بایسته دولت در این میان عبارت است از دیپلماسی اقتصادی برای به‌هم‌رسانی ظرفیت‌های بیرونی و درونی از یک سو و تنظیم‌گری عرصه تجارت خارجی به‌منظور تضمین فضای رقابتی و مبارزه با انحصارها از سوی دیگر است. تجربه نشان داده است دولتی‌بودن بازرگانی و تداول امتیازات انحصاری در دست گروهی ویژه، نه تنها منافی اصول انصاف و برابری است بلکه ناتوان از تأمین شروط کارایی، به‌علت محدودیت اطلاعاتی عوامل معدود دولتی و شبه‌دولتی است. این در حالی است که در شرایط تحریم نیز این الگوهای دولتی و انحصار به‌شدت آسیب‌پذیرتر از الگوهای مردمی و متکثرند.

حرکت به‌سمت مردم‌بنیان کردن تجارت خارجی از دیدگاه نهادی، نیازمند فهم دقیق «داستان» هر یک از بازارها و کنش‌های متقابل بازیگران آن‌ها و ساختار منافع شکل گرفته در آن است. این مسأله باعث می‌شود پس از احصای مزایای احتمالی مردمی‌شدن تجارت خارجی به‌صورت رویکرد عمومی، سیاست‌گذار برای پیاده‌سازی این الگو در هر بازار به‌طور خاص (خوراک دام، روغن، شکر، نفت و ...)، نیازمند مطالعات خاص آن بازار برای طراحی سازوکار خروج از شبکه منافع موجود و برقراری نظم مطلوب می‌باشد.

مردمی‌سازی مالیه بین‌الملل:

یکی از ابعاد جدی بحران‌های اقتصادی کشورها — و به‌ویژه کشور ما — در سال‌های اخیر چالش‌های ارزی بوده است؛ تا آنجا که تلاطم‌های بازار ارز در برخی مقاطع، نقش کلیدی در ایجاد بحران اقتصادی ایفا کرده‌اند. اگرچه در نظام پول حکمی (Fiat money)، انتخاب نظام ارزی اعم از شناور، مدیریت‌شده و ... در دست سیاست‌گذار پولی و ارزی است؛ اما چه درون نظام پول حکمی و چه فراتر از آن، می‌توان مؤلفه مردمی‌بودن را در رژیم‌های مختلف ارزی و توانایی هر یک از آن‌ها برای مقابله با تکانه‌های اقتصادی را موردبررسی و مقایسه قرارداد.

محور دوم: مطالعات حکمرانی، سیاست‌گذاری و اجرا

قوانین و مقررات

تحلیل انتقادی اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران با تمرکز بر مردمی‌شدن اقتصاد: یکی از ابعاد اصلی اقتصاد مقاومتی، مردم‌بنیان بودن آن دانسته شده است. این مهم برای عملیاتی‌شدن نیازمند بسترسازی قانونی در سطوح مختلف است تا سیاست‌گذار بتواند با استناد به قوانین مقتضیات حضور مردم در اقتصاد را فعال؛ و موانع حضور را برطرف نماید. این مسأله نیازمند بررسی است که تا چه حد اسناد بالادستی بستر سیاست‌گذاری اقتصادی را در سطوح پایین‌تر فراهم کرده است.

تحلیل انتقادی قوانین مصوب اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با تمرکز بر مردمی‌شدن اقتصاد:

قوانین مصوب اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را می‌توان از منظر مردمی‌سازی اقتصاد مورد تحلیل انتقادی قرار داد. باید بررسی شود که رویکرد مردمی‌سازی اقتصاد چه جایگاهی در قوانین مذکور دارد.

شاخص‌شناسی و شاخص‌سازی

شاخص‌های مردمی‌شدن اقتصاد

شاخص، ابزار مشخص کردن یک موضوع است. شاخص‌ها به منزله معیارهایی هستند که به وسیله آن می‌توان کمیت، کیفیت، تغییرات یا ثبوت رفتار و عملکرد را اندازه‌گیری نمود. به عبارت دیگر آمار، آرزوها، علائق و اندیشه‌های سیاست‌گذاران و ذی‌نفعان حوزه فرهنگ در شاخص‌های ارزیابی نمایان می‌شوند. همان‌طور که شاخص‌هایی برای میزان اتکای اقتصاد به دولت در اقتصاد تعریف شده است نیاز است تا بر پایه مفهوم‌شناسی دقیق از اقتصاد مردمی، شاخص‌هایی برای مردمی‌شدن اقتصاد تعریف شود.

الگوها و سازوکارهای «بخشی» مردمی‌سازی (سیاست‌نامه‌های کوچک برای موضوعات کاربردی)
نظام پولی و بانکی:

از آنجا که یکی از ارکان هر نظام اقتصادی، نظام پولی و بانکی آن است، این انتظار طبیعی است که نسبت نظام بانکداری ذخیره جزئی که هم‌اکنون در عموم کشورهای جهان شایع است، چه نسبتی با مردمی بودن دارد. آیا سازوکار خلق پول و اعتبار در این نظام، از حیث منشأ و منافع، مردمی است؟ آیا بسته‌های نجات بانکی که در بحران‌های این نظام توسط بانک‌های مرکزی و دولت‌ها به اجرا گذاشته می‌شود قابل اتصاف به مردمی بودن هستند؟ آیا درون‌زا بودن عرضه یا خلق پول، لزوماً به معنای مردمی بودن آن است؟ چه نسبتی می‌توان میان سیاست‌های پولی و مردم‌بنیان بودن سیستم پولی برقرار کرد؟ الگوی مردم‌بنیان نهاد قرض‌الحسنه چگونه است؟ آیا سپردن این نهاد خیرخواهانه به بانک انتفاع‌محور می‌تواند با مردمی بودن آن سازگار باشد؟ نسبت عقود اسلامی در بانکداری بدون ربا با مردمی بودن چیست و شکست‌های بانکداری بدون ربا چه نسبتی با آن دارد؟

آیا پول حکمی و دولتی (Fiat money) می‌تواند یک پول مردمی باشد؟ نسبت رمزارزها با مردم‌بنیان بودن نظام پولی چیست؟ نسبت مفاهیم متمرکز یا غیرمتمرکز بودن پول با مردمی بودن آن چیست؟ نسبت مردمی بودن رمزارز با ثبات یا عدم ثبات ارزش آن چیست؟

نظام مالی و بیمه‌ها:

بسیاری از محققان اقتصاد اسلامی، نقش پررنگ‌تری برای نهادهای مالی در مقایسه به نهادهای پولی در نظام اقتصادی اسلامی قائلند. با این حال جای این پرسش کاملاً وجود دارد که آیا کارکرد نهایی نهادهای بازار سرمایه به سود اکثریت مردم می‌باشد یا خیر. سهم تنظیم‌گری بازارها و نهادهای مالی در تضمین منافع عمومی و مردمی به چه میزان است؟ آیا می‌توان نسبتی میان بحران‌های مالی و مردمی بودن یا نبودن نظام مالی یافت؟ آیا می‌توان بیمه‌های خصوصی را الگویی مردم‌بنیان برای پوشش ریسک‌های مختلف شخصی و تجاری قلمداد کرد؟ چه دلالت‌هایی می‌توان از مقایسه نهاد بیمه مدرن و نهاد اسلامی ضمان عاقله از حیث مردم‌بنیان بودن یافت؟

الگوی بنگاه تولیدی و مسأله تعاونی:

آیا می‌توان ساختار موجود بنگاه تولیدی که در آن نیروی کار اجیر است را ساختاری مردم‌بنیان یا مردم‌سالار دانست؟ آیا شرکت تعاونی لزوماً یک بنگاه مردم‌بنیان است؟ آیا می‌توان الگوی تعاونی را براساس فقه اسلامی مدلل و موجه کرد؟ آیا هیچ‌یک از شرکت تجاری مدرن و

شرکت تعاونی، می‌توانند مختصات مردم‌بنیان بودن و مردم‌سالاری اسلامی را تأمین کنند؟ عقود و الگوهای تولیدی در اقتصاد اسلامی چه نسبتی با مردم‌بنیان دارند؟ آیا می‌توان براساس الگوهای اسلامی به یک الگوی مردم‌بنیان نوین برای بنگاه تولیدی دست یافت؟ حقوق شرکت‌ها با نظر به معیار مردم‌بنیان بودن نیازمند چه تغییراتی است؟

نظام تأمین اجتماعی:

آیا الگوی تأمین اجتماعی حق‌بیمه‌محور می‌تواند یک الگوی مردمی تلقی شود؟ نسبت مالکیت عمومی شکل گرفته در خلال این سیستم (شرکت‌های سرمایه‌گذاری تابعه این سازمان تأمین اجتماعی) با مردم‌بنیان بودن چیست؟ کدام یک از دو الگوی تأمین اجتماعی حق‌بیمه‌محور و مالیات‌محور به مردمی بودن نزدیک‌تر است؟ الگوی تأمین اجتماعی صدر اسلام از حیث مردمی بودن چگونه است و چگونه می‌توان عناصر مثبت آن را در نظام‌های معاصر تأمین اجتماعی نهادینه کرد؟ نسبت تأمین اجتماعی مردم‌بنیان با تأمین اجتماعی فراگیر چیست و در کدام الگوی تأمین اجتماعی می‌توان با سهولت بیشتری به آن دست یافت؟

مدیریت و بهره‌برداری انفال، منابع طبیعی و نفت:

رابطه مردم‌بنیان بودن و عدالت بین‌نسلی چیست و دلالت‌های آن در بهره‌برداری از منابع طبیعی چیست؟

اصولاً چه تفاوت‌هایی میان مالکیت عمومی و امام در فقه اسلامی وجود دارد و دلالت‌های آن برای مردمی‌سازی حوزه منابع طبیعی و انفال چیست؟ در کدام یک از الگوهای بهره‌برداری از منابع طبیعی و نفت، مؤلفه مردمی‌بنیان بودن پررنگ‌تر است؟ جایگاه نهاد اسلامی و مردمی‌حیازت در قواعد و رویه‌های جاری مدیریت منابع طبیعی کشور چیست و چگونه می‌توان آن را در شرایط تکنولوژیک جدید به‌روزرسانی کرد به نحوی که هویت مردم‌بنیان آن به احتکار منابع طبیعی توسط حاکمیت بدل نگردد؟ راهکارهای مشارکت عمومی-خصوصی (PPP) چه ظرفیتی در بهره‌برداری و مدیریت مردم‌بنیان منابع طبیعی دارند؟

راه کارهای مردمی کردن بخش پایین دست نفت کدام است؟ نقش مردمی کردن بخش نفت در مقابله با تحریم‌ها چیست؟ توجه به توسعه پتروپالایشگاه‌ها در مردمی کردن بخش پایین دست نفت چه اندازه است و اقتضائات آن چیست؟ ظرفیت‌های مردمی‌سازی در بخش بالادست نفت چه

اندازه وجود دارد؟ آیا نمی‌توان از ظرفیت مردمی در بازرگانی نفت خام و کاستن از تهدید تحریم‌ها استفاده برد و راه کارهای اجرایی آن چیست؟

امنیت و دفاع:

تأثیر نگرش مردم‌بنیان در بخش امنیت و دفاع، چه بسا کمتر از بسیاری از دیگر بخش‌های نظام اقتصادی نباشد؛ البته با لحاظ دقت در تمایز میان الگوی مردم‌بنیان و الگوهای دولت‌سالار و سرمایه‌سالار. مسأله سربازی حرفه‌ای یا اجباری یکی از این مسائل است که هنوز از این منظر مورد مطالعه جدی قرار نگرفته است. افزون بر این، معرفی الگوی بسیج در دفاع مقدس توسط امام راحل (ره) به عنوان یک الگوی داوطلبانه و مردمی، یکی از نقاط کلیدی در نهادسازی‌های انقلاب اسلامی ایران محسوب می‌شود که هنوز در مطالعات اقتصاد جنگ و امنیت جایگاه بایسته خود را پیدا نکرده است. این در حالی است که این نیروی مردمی چه در زمان دفاع مقدس و چه پس از آن، مشارکت‌های قابل ملاحظه‌ای در تأمین امنیت کشور داشته است. این تجربه نشان می‌دهد که الگوهای داوطلبانه جهاد در صدر اسلام، ظرفیت بالایی برای توسعه و به کارگیری در جوامع امروزی دارند که به نوبه خود می‌تواند یکی از موضوعات تاریخی در حوزه اقتصاد جنگ مردم‌بنیان به شمار رود.

بهداشت و درمان:

بخش بهداشت و درمان نیز مانند بسیاری از دیگر بخش‌های اقتصاد کشورمان میان دوگانه دولتی - خصوصی در تردد بوده و در هر سو با تناقض‌های آن درگیر است؛ در سوی دولتی، مواجه با هزینه‌های بالا، تخصیص‌های ناکارآمد و تحمیل بار سنگین بودجه به دولت است و در سوی خصوصی و خودگردانی، مواجه با هزینه‌های درمانی بالا و فشار به اقشار محروم. به نظر می‌رسد ظرفیت‌های قابل توجهی در الگوهای مردم‌بنیان، به عنوان بدیل الگوهای موجود نهفته باشد؛ به طوری که علاوه بر کاستن از بار مالی بخش بهداشت و درمان در بودجه دولت، نیاز به بیمه‌های مختلف تأمین اجتماعی و خصوصی را نیز کاهش دهد. با ملاحظه اینکه حوزه میان‌رشته‌ای «اقتصاد بهداشت و درمان» به خودی خود رشته‌ای نسبتاً نوپا در کشور ماست، توجه به الگوهای مردم‌بنیان در این پرداختن اقتصادی به بخش بهداشت و درمان، می‌تواند از همین ابتدا مانع از شکل‌گیری سیاست‌های ناکارای متعارف در حکمرانی این بخش گردد.

زمین و مسکن:

تأثیر الگوهای بخش مسکن از مبانی ایدئولوژیک را نمی‌توان کمتر از بسیاری از دیگر بخش‌های اقتصاد دانست. یکی از علل آن، تبعیت این الگوها از نظام‌های مالکیت ارضی است. خصوصی یا دولتی یا عمومی بودن زمین نقش بسزایی در وضعیت بازار مسکن و دیگر شیوه‌های تولید و توزیع مسکن دارد. با این حال اینکه الگوی مردم‌بنیان در این میان کدام است، مقوله‌ای است که نیاز به تحقیق دارد. افزون بر این، نقش مردم و منافع اکثریت ایشان در شکل‌دهی به الگوهای ساخت و تأمین مسکن نیز محتاج بررسی‌های جدی است. استفاده از توسعه‌گرها، ایجاد تعاونی‌های مسکن و یا حمایت از شخصی‌سازی، حداقل گزینه‌های محتمل است که هر یک تبعات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی خاص خود را دارند که بعضاً آزمون خود را در سال‌های اخیر در کشورمان نشان داده‌اند.

مدیریت شهری:

سال‌هاست که مدیریت شهری به‌ویژه در کلان‌شهرهای کشورمان با وضعیتی شکننده روبروست. فقدان درآمدهای پایدار شهری، باعث شده است شهرداری‌ها برای تأمین مالی به شیوه‌هایی دست یازند که علاوه بر ناپایداری بودن، مفسده‌های متعددی دربردارد. زمین‌فروشی، تراکم‌فروشی و اخذ مالیات‌های سنگین یک‌جا، برخی از این شیوه‌های ناپایدار و نوعاً غیرمنصفانه و خلاف مصالح بلندمدت مردم است. برخی یکی از علل این وضع را، خودگردانی شهرداری‌ها و محرومیت آن‌ها از بخش قابل توجهی از مالیات‌های پرداختی شهروندان می‌دانند. از منظری دیگر، تمرکز نظام اقتصادی و مالی باعث یک انتقال ثروت جدی از پیرامون به مرکز در کشور ما شده و به تبع، نقش شهرداری‌ها را از دولت محلی - که برای مدیریت یکپارچه نهادهای مختلف یک شهر اختیارات دارد - به عرضه‌کننده برخی خدمات محدود شهری تغییر داده است. بر این اساس تکیه بر عنصر مردم‌بنیان بودن مدیریت شهری، چه بسا سرآغازی بر بازاندیشی در مورد نظام اقتصادی متمرکز کشور و واکاوی مزایای فدرالیسم مالی و اقتصادی باشد.

اوقاف و امور خیریه:

از آنجا که اوقاف و امور خیریه - یا در معنای اعم و اصطلاح اقتصادی، «بخش سوم» اقتصاد - در عرض بازار و دولت قرار دارد، ظرفیت بالایی برای پی‌جویی آرمان مردم‌بنیان بودن در نهادها و

رویه‌های آن وجود دارد. با این حال به نظر می‌رسد در دهه‌های اخیر، تحت الشعاع دولت بزرگ و نگرش‌های دولت‌محور برخی کارایی‌های خود را از دست داده است. تمرکز قرض الحسنه — یکی از مهم‌ترین نهادهای نیکوکارانه — در نهاد انتفاعی بانک، کمیته امداد با دیوان‌سالاری شبه‌دولتی، اداره اوقاف و آستان قدس رضوی نمونه‌هایی از این نکته‌اند که به صورت جدی نیاز به بازنگری از منظر مردم‌بنیان‌بودن دارند. افزون بر این برخی از رویه‌های نانوشته در اوقاف که تلاش می‌کند اختیارات متولی خاص را سلب کرده یا حتی الامکان اختیارات بیشتری برای سازمان لحاظ کند، از حیث مردمی‌بودن نیازمند مطالعه و بازنگری است. کسب اجاره‌بهای ناچیز و خلاف واقعیت‌های بازار، آسیب رایج موقوفات کشور است که به نظر می‌رسد باعث کاهش انگیزه‌های بعدی برای وقف زمین شده و از سوی دیگر، الگوی درآمد پایدار مبتنی بر اجاره را تبدیل به الگوی ناپایدار زمین‌فروشی در نهادهای موقوفه (اوقاف و آستان قدس رضوی) کند.

آموزش:

نظر به اینکه در ساختار اجرایی کشور ما حداقل سه وزارت‌خانه به مسأله آموزش — اعم از عمومی و عالی — پرداخته و بخش قابل ملاحظه‌ای از بودجه جاری کشور صرف آن می‌گردد، می‌توان دریافت انتخاب الگوی حکمرانی مناسب یا اشتباه در این بخش چه تأثیرات گسترده‌ای از حیث عدالت و کارایی و رفاه برای جامعه دربرداشته باشد. هویت نظام آموزشی مدرن در کشور ما طی عمر حدوداً یک‌صدساله خود، هویتی دولتی بوده است. اگرچه در تلاش برای متکثر و غیردولتی کردن این نظام در سال‌های پس از دهه ۱۳۶۰ یا از دوران سازندگی به این سو، نهادهایی آموزشی تحت عنوان غیرانتفاعی گسترش یافت؛ اما در نگاه دقیق، این مدارس و دانشگاه‌ها از سنخ بازاری، خصوصی یا انتفاعی بودند. آموزش در کشور ما هنوز از دو گانه بازار — دولت خارج نشده است و روشن است که هیچ‌یک از این دو الگو با معیارهای مردمی بودن مطابقت نداشته و نیاز مبرمی به طراحی و اندیشه‌ورزی در باب الگوهای مردمی آموزش به‌ویژه با عنایت به ظرفیت‌های بخش سوم اقتصاد یا بخش خیرخواهانه وجود دارد. به‌ویژه اینکه به نظر می‌رسد آموزش در طول تمدن اسلامی متکی بر چنین سازوکارهایی بوده است.

محور سوم: تجربه‌نگاری داخلی و خارجی مردمی‌سازی اقتصاد و آثار آن در مقاوم کردن اقتصاد در برابر تکنه‌ها و مقایسه تجارب در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی

دلالت‌های حضور مردم در دفاع مقدس برای اقتصاد ایران

دوران دفاع مقدس الگوهای متعدد و جذابی از تجارب مردم‌بنیان در مدیریت جنگ را معرفی کرده است که متأسفانه به میزان بایسته مورد مطالعه علمی قرار نگرفته است. الگوی بسیج، شاخص‌ترین آن‌هاست که در نقطه مقابل سربازگیری اجباری قرار گرفته و منشأ بسیاری از رویش‌های فرهنگی و فکری در طول هشت سال دفاع مقدس شده است. تجربه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به‌عنوان نهاد نظامی رسمی مولود پس از انقلاب نیز، نکته‌های قابل تأملی برای کشف الگوهای دینی در حوزه اقتصاد جنگ براساس گرایش‌های ارزشی و دینی عوامل سازنده و شکل‌دهنده این الگوها دارد. فقدان سیستم درجه‌داری در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تا مقطعی خاص و نظام پرداخت تقریباً بی‌طبقه، یکی از این نکات قابل مطالعه است.

تجربه مردمی‌شدن اقتصاد و جهاد سازندگی:

جهاد سازندگی یکی از نهادهای رویداده پس از انقلاب است که نقش قابل توجهی در آبادانی و توسعه نقاط محروم و روستایی کشور ایفا کرده است. اگرچه جهاد سازندگی پس از دو دهه فعالیت در وزارت کشاورزی ادغام شد، تجربه حدود دو دهه فعالیت آن با تحلیل‌های متفاوت و تا حدودی متضاد مواجه بوده است. گروهی جهاد سازندگی به‌ویژه در دهه اول انقلاب را نمونه‌ای بدیع از الگوهای مردمی اقتصاد دانسته که با ادغام در وزارت کشاورزی به محاق رفته است و گروهی دیگر، آن‌را تجربه‌ای ناموفق از فعالیت‌های خیرخواهانه متکی - تا حدودی - بر منابع دولت رانته و مهم‌تر از آن تصمیم‌سازی دولتی و غیرمردمی تلقی می‌کنند. قضاوت در این خصوص نیازمند پژوهش‌هایی دقیق است که چه‌بسا با یافتن شواهدی به سود هر یک از دو دیدگاه، به بازآفرینی الگویی جدید از جهاد سازندگی کمک کند.

تجربه کشورهای اسکاندیناوی در خصوص مردم در اقتصاد:

کشورهای اسکاندیناوی با برنامه‌های گسترده دولت رفاه خود به‌عنوان نظام‌هایی اقتصادی که در عین ادعای سوسیالیستی نبودن، توانسته‌اند به میزان چشم‌گیری از تبعات سوءنظام‌های

سرمایه‌داری جلوگیری کنند شناخته شده‌اند. اگرچه شاید مردمی‌نمایدن الگوهای دولت‌رفاه از بُعد نظری دشوار باشد؛ اما برخی بررسی‌های تجربی در این خصوص با اتکا به شاخص‌های طراحی شده برای دموکراسی اقتصادی، حاکی از این است که این کشورها جایگاه بسیار ممتازی در این شاخص به دست آورده‌اند. این واقعیت، ضرورت پژوهش در نسبت‌سنجی الگوهای اقتصادی این کشورها با الگوهای مردم‌بنیان را دوچندان می‌کند.

تجربه‌نگاری مشارکت مردم در حکمرانی پولی و مالی:

نقدهای وارد بر نظام پولی و مالی متعارف به‌طور فزاینده‌ای رو به گسترش بوده و از چارچوب یک نحله و گروه خارج شده است. بخش زیادی از این نقدها اعطای قدرت خلق پول انحصاری به بانک‌ها را خلاف مردمی‌بودن پول می‌دانند. تعداد کمتری از این منتقدین، حتی با خلق پول دولتی یا پول پر قدرت توسط بانک مرکزی را نیز برنرفته و آن را خلاف مصالح عموم مردم تلقی می‌کنند (میزس و طرفداران او در مکتب اتریش). به همین شکل، نهادها و بازارهای مالی مدرن مورد نقدهای جدی قرار گرفته است. این ادبیات نوظهور تحت عنوان مخالفت با مالی‌سازی (financialization) اقتصاد، مدعی است با گسترش بخش مالی اقتصاد می‌تواند در نهایت به افزایش دارایی‌های مجازی انجامیده و بخش واقعی اقتصاد را در تنگنا قرار دهد. ازسوی دیگر، از آنجاکه بازیگران اصلی در بازار مالی، بانک‌ها و نهادهای خالق اعتبارند، نقش مردم در این بازار بسیار کم‌رنگ بوده و غالباً زیان‌های حاصل از بحران‌های مالی ادواری به دوش آنان گذاشته می‌شود.

تجربه‌نگاری مشارکت مردم در حکمرانی ثروت‌های طبیعی و انفال:

روی کارآمدن دولت‌های مدرن در کشورهای اسلامی، بسیاری از آزادی‌های سنتی را محدود کرده است که یکی از مصادیق برجسته آن بهره‌برداری از منابع طبیعی است. اگرچه برخی این محدودیت را به پیشرفت‌های فناورانه مستند می‌کنند که به اتکای آن، بخش خصوصی توان استخراج بی‌رویه منابع طبیعی را به دست آورده است؛ با این حال، راه کارهای بسیار متنوعی برای مهار این نکته در نظام‌های اقتصادی مختلف وجود داشته و تجربه شده است که در عین حفظ مصالح عامه، عنصر مردمی‌بودن را در بهره‌برداری از انفال و منابع طبیعی و آزادی‌ها و کارایی نهفته

در آن را تضمین کرده و از انحصار و کنز منابع طبیعی توسط حاکمیت و در مضیقه قرار گرفتن بخش خصوصی پیشگیری می‌کند.

محور چهارم: مطالعات بین‌رشته‌ای

اینکه مردم در سطوح نظام تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری و در پی آن، تولید ارزش افزوده در جهت منافع ملی مشارکت نمایند، نیازمند این است که از ابعاد مختلف جامعه‌شناسی، سیاسی، حقوقی و تربیتی و رسانه‌ای مورد بررسی قرار گرفته و الزامات مختلف آن محقق شود. در ذیل به تبیین برخی از موضوعات پرداخته می‌شود:

بسترهای فرهنگی، تربیتی مردمی‌سازی اقتصاد:

نگرش‌ها، گرایش‌ها و رفتارهایی که بستر حضور فراگیر مردم و مسئولیت‌پذیر کردن آن‌ها در هم‌افزایی ظرفیت‌ها و توانمندی‌های خود و به صحنه آوردن سرمایه‌های متنوع خود به اقتصاد را فراهم می‌کند، اهمیت بسیار زیادی دارد؛ چرا که تغییرات فرهنگی قابلیت تغییرات ساختاری و عوامل اقتصادی را دارد. بخشی از تغییرات فرهنگ نیز تابع تغییرات نظام آموزشی و تربیتی است که زمینه‌ساز تغییرات نگرشی، گرایشی و رفتارهای اقتصادی مردم به‌عنوان عوامل اصلی اقتصاد مردم‌بنیان هستند. پژوهش‌گران فرهنگ اقتصادی در صورت دستیابی به تعریف اقتصاد مردم‌بنیان، باید به تبیین ابعاد و الزامات فرهنگی - تربیتی یک اقتصاد مردم‌بنیان پرداخته و مسیر سیاست‌گذاران را برای دستیابی به نقطه مطلوبی که می‌تواند بسترسازی فرهنگی و تربیتی متناسب با اقتصاد مردم‌بنیان را فراهم کند، مشخص نمایند (خودباوری و اتکا به ظرفیت).

مردمی‌شدن اقتصاد و رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی، انقلاب دیجیتال (فناوری اطلاعات و ارتباطات):

رسانه‌ها از دو جنبه در شکل‌گیری اقتصاد مردم‌بنیان نقش قابل توجهی دارند. هم رسانه‌های سنتی و هم رسانه‌های مدرن، هر دو با ابزارهای در اختیارشان قابلیت فرهنگ‌سازی، شبکه‌سازی، بسیج مردم و هم‌بستگی اجتماعی را دارند؛ البته از طرف دیگر هم می‌توانند به گسست اجتماعی هم دامن بزنند. البته ابزارهای رسانه‌های مدرن و شبکه‌های اجتماعی، خود، بستر اقتصادهای نوپایی را فراهم کرده‌اند که در مقابل اقتصاد متمرکز دولتی قد علم کرده‌است و تمام نهادها و عوامل اقتصادی را دچار تحول نموده است که نیاز به بازتعریف دارد. آنچه مسلم است رسانه‌های جدید

به واسطه غیرمتمرکز شدن مدیریت تولید محتوای خود، قدرت فوق‌العاده‌ای در انسجام اجتماعی و فروپاشی اجتماعی دارند. اینکه چه مکانیسم‌های طراحی شود تا به هم‌افزایی سرمایه‌ها در جهت منافع اقتصادی و شکل‌گیری اقتصاد مردم‌بنیان منجر شود، نیازمند مطالعه است. رسانه‌ها به‌عنوان نهادهای اقتصادی در دسترس، قابلیت فرهنگ‌سازی و توانمندسازی و معرفی بسترهای مناسب اقتصاد مردم‌بنیان را دارند. آنچه مهم است آنکه به این سؤالات پاسخ داده شود که با چه محتوای مؤثری و چه ادبیاتی و نیز با چه پلتفرمی، بستر ورود مردم به صحنه اقتصاد فراهم می‌شود؟

توانمندسازی مردم برای ایفای نقش موثر در اقتصاد:

مشارکت مردم در اقتصاد با سرمایه‌ها و ظرفیت‌های متنوع، نیازمند کسب توانایی‌های معنوی و مادی برای به‌کارگیری آن‌ها در اقتصاد است. چه‌بسا مردمی که به دلایل مختلفی دارای‌ها و سرمایه‌های مختلفی دارند؛ اما توان به‌جریان‌انداختن آن‌ها به واسطه مشکلات متعددی از جمله ناآگاهی به قوانین و حقوق عام و خاص مرتبط، عدم شناخت نیازهای مردم، توانمند نبودن بازاریابی، نداشتن قدرت تعامل و مذاکره و ... ندارند و نمی‌توانند نقش خود را به‌درستی در اقتصاد ایفا کنند. چگونگی توانمندسازی مردم و نقش دولت و نهادهای عمومی و خصوصی در این عرصه می‌تواند موضوع مورد مطالعه پژوهش‌گران باشد.

مردم و اقتصاد در گونه‌های سنتی و جدید حکمرانی:

میزان مشارکت مردم و احساس مسئولیت آن‌ها در تشکیل نهادهای مردمی، از مهم‌ترین نتایج حکمرانی خوب و عادلانه است. اجرای عادلانه قوانین، شفافیت و پاسخگویی نهادهای مسئول، احترام به نظرات مردم در عرصه‌های گوناگون، ایجاد فرصت‌های برابر، استفاده کارا از مواهب عمومی و قبول مسئولیت، تشکیل‌دهنده عناصر حکمرانی خوب است. تبیین عوامل واسطه‌ای در مسیر اثرگذاری خوب و ترسیم فرآیندهای مرتبط برای دستیابی به حکمرانی خوب می‌تواند از موضوعات قابل توجه پژوهش‌گران و علاقمندان به این حوزه مطالعاتی باشد.

اقتصاد سیاسی و مردمی شدن اقتصاد:

رهیافت اقتصاد سیاسی به‌دنبال پاسخ‌گویی به چگونگی تحت تأثیر قرار گرفتن اقتصاد از محیط سیاسی است و درهم‌تنیدگی سیاست و اقتصاد را تبیین می‌کند. بررسی تأثیر رژیم سیاسی بر چگونگی شیوه تهیه عوامل تولید، تولید کالاها و خدمات و توزیع آن‌ها، اهمیت خاصی دارد.

حضور مردم در صحنه اقتصاد و سیاست وابسته به هم بوده و به چگونگی تعاملات بین دولت و مردم، بین دولت و نهادهای بین‌المللی، ساختارهای سیاسی تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی، بوروکراسی و میزان اهتمام دولت به نظر مردم در نظام تصمیم‌گیری دارد. تبیین اقتصاد سیاسی اقتصاد مردم‌بنیان اهمیت ویژه‌ای دارد.

جدول ۲. شبکه مسائل مردمی‌سازی اقتصاد

<p>محور اول: مطالعات نظری و بنیادین مردمی‌سازی اقتصاد</p> <ul style="list-style-type: none"> ▪ مبادی فلسفی، مفهوم‌شناسی و جایگاه‌یابی ▪ رویکرد دیگر مکاتب اقتصادی به نقش مردم در اقتصاد ▪ مبادی اسلامی از منظر قرآن و سنت ▪ مبادی اسلامی از منظر رهبران انقلاب ▪ نسبت مردمی‌سازی اقتصاد با اقتصاد مقاومتی ▪ جایگاه مردم در ادبیات توسعه و رهاورد آن برای اقتصاد مردم‌بنیان ▪ آثار مردمی‌سازی بر اصلاح ساختار اقتصادی کشور ▪ جایگاه مردم در رویکردهای مختلف مقاوم‌سازی اقتصاد ▪ آثار مردمی‌سازی بر عدالت اقتصادی، اجتماعی، آموزشی و ... ▪ مکانیزم‌های انگیزشی مردمی‌سازی اقتصاد ▪ چگونگی مردمی‌شدن اقتصاد در اقتصادهای رانتی ▪ مکانیسم‌های کاهش تضاد منافع در جهت مردمی‌شدن اقتصاد ▪ مردمی‌سازی تجارت بین‌الملل ▪ مردمی‌سازی مالیه بین‌الملل
<p>محور دوم: مطالعات حکمرانی، سیاست‌گذاری و اجرا</p> <p>الف) تحلیل انتقادی قوانین و مقررات</p> <ul style="list-style-type: none"> ▪ اسناد بالادستی ▪ قوانین مصوب اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی <p>ب) شاخص‌شناسی و شاخص‌سازی</p> <ul style="list-style-type: none"> ▪ شاخص‌های مردمی‌شدن اقتصاد <p>ج) الگوها و سازوکارهای «بخشی» مردمی‌سازی</p> <ul style="list-style-type: none"> ▪ نظام پولی و بانکی

<ul style="list-style-type: none"> ▪ نظام مالی و بیمه‌ها ▪ الگوی بنگاه تولیدی و مسأله تعاونی ▪ نظام تأمین اجتماعی ▪ مدیریت و بهره‌برداری انفال، منابع طبیعی و نفت
<p>محور دوم: مطالعات حکمرانی، سیاست‌گذاری و اجرا</p>
<ul style="list-style-type: none"> ▪ امنیت و دفاع ▪ بهداشت و درمان ▪ زمین و مسکن ▪ مدیریت شهری ▪ اوقاف و امور خیریه ▪ آموزش
<p>محور سوم: تجربه‌نگاری مردمی‌سازی اقتصاد و مقایسه تجارب</p>
<ul style="list-style-type: none"> ▪ دلالت‌های حضور مردم در دفاع مقدس ▪ تجربه مردمی جهاد سازندگی ▪ تجربه کشورهای اسکاندیناوی درخصوص مردم در اقتصاد ▪ تجربه‌نگاری مشارکت مردم در حکمرانی پولی و مالی ▪ تجربه‌نگاری مشارکت مردم در حکمرانی ثروت‌های طبیعی و انفال
<p>محور چهارم: مطالعات بین‌رشته‌ای</p>
<ul style="list-style-type: none"> ▪ بسترهای فرهنگی، تربیتی مردمی‌سازی اقتصاد ▪ مردمی‌شدن اقتصاد و رسانه‌های سنتی ▪ فضای مجازی، انقلاب دیجیتال و چشم‌اندازهای آتی مردمی‌سازی ▪ توانمندسازی مردم برای ایفای نقش در اقتصاد ▪ مردم در گونه‌های سنتی و جدید حکمرانی ▪ تحلیل زمینه‌ها و بایسته‌های حقوقی مردمی‌سازی ▪ اقتصاد سیاسی مردمی‌سازی ▪ تحلیل روان‌شناختی و رفتارگرایانه مردمی‌سازی

نتیجه گیری و پیشنهادها

همان‌طور که تبیین شد یکی از ابعاد اقتصاد مقاومتی، اقتصاد مردم‌بنیان است که از اجزای اقتصاد مقاومتی و مورد تأکید مقام معظم رهبری بوده است. برای تبدیل یک اقتصاد رانتی به اقتصاد مردم‌بنیان، باید پایه‌های نظری این نوع از اقتصاد با بهره‌گیری از دستاوردهای ملی و بین‌المللی به‌صورت روشمند تبیین شود و ابعاد مختلف مسأله برای سیاست‌گذاران باز شود. پس از یک مطالعه دقیق روی آثار منتشرشده تا سال ۱۳۹۹ با موضوع اقتصاد مردم‌بنیان، پژوهش‌گران به این نتیجه دست یافتند که ادبیات نظری منسجم و قابل‌اتکایی در مراکز علمی مرتبط تولید نشده و حتی در تعریف اقتصاد مردم‌بنیان نیز اتفاق نظر وجود ندارد. بر این اساس این پژوهش به‌دنبال آن بود که به‌صورت روش گروه‌کانونی با حضور متخصصین اقتصاد مقاومتی و اقتصاد اسلامی به موضوع‌شناسی اقتصاد مردمی پرداخته و با این اقدام، بستر لازم را برای کسانی که می‌خواهند مطالعات خود را در این حوزه تعریف کنند فراهم نماید. این موضوعات در چهار محور طبقه‌بندی شده و مقرر شد در چهار محور مطالعات نظری و بنیادین، مطالعات حکمرانی، سیاست‌گذاری و اجرا؛ الگوها و سازوکارهای مردمی‌سازی و مطالعات میان‌رشته‌ای تقسیم شود. آنچه اهمیت دارد این است که سیاست‌گذاران اقتصادی در قوای سه‌گانه باید براساس بنیان‌های نظری و برقراری الزامات مختلف سیاسی، حقوقی، اقتصادی، اجتماعی و تربیتی و بهره‌گیری از تجارب مختلف و براساس طراحی الگوها و سازوکارهای پیشنهادی، بستر انتقال از اقتصاد دولتی و رانتی را به اقتصاد مردمی فراهم کنند تا جایی که اقتصاد ایران به اقتصاد مردم‌بنیان شهرت یابد.

فهرست منابع

- ارشدی، وحید؛ نوبخت، جواد؛ اسماعیل‌پور، رضا؛ سیدحسینی‌زاده یزدی، سعید (۱۴۰۰)، *فراتحلیل مطالعات اقتصاد مقاومتی در ایران: شناسایی عوامل مؤثر بر استحکام ساخت درونی سازمان برابر تکانه‌ها*، فصلنامه مطالعات اقتصاد اسلامی، دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)، در حال انتشار.
- پیروز، روزبه (۱۳۹۸)، *از چاه به راه: گذر از اقتصاد دولتی به اقتصاد مردمی*، انتشارات دنیای اقتصاد.
- رنجبران، رضا؛ رجیبی، سجاد؛ غیائی، هادی (۱۴۰۰)، *اقتصاد مردم‌محور*، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)، چاپ اول.
- قاسمی، علی؛ رجایی‌رامشه، سیدمحمدکاظم (۱۳۹۹)، *مؤلفه‌ها، معیارها و شاخص‌های مردم‌محوری در اقتصاد مقاومتی*، فصلنامه علمی معرفت، سال ۲۹، شماره ۲۷۲.
- یوسفی، احمدعلی؛ غفاری، مجتبی (۱۳۹۵)، *نقش مردم در اقتصاد مقاومتی (بابت‌تأکید بر بیانات رهبر معظم انقلاب)*، فصلنامه پژوهش‌های اقتصاد مقاومتی، سال اول، بهار و تابستان ۱۳۹۵، شماره ۱.

